

بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و باورهای فراشناخت در دانشجویان دانشگاه آپادانا

فاطمه محمدی

دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران.

سحر ذبیحی‌دان*

استادیار، گروه روان‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران.

چکیده

خانواده به عنوان اولین واحد اجتماعی و جامعه‌ای کوچک که هدف آن توسعه و رشد اجتماعی کودکان است، مورد تأکید قرار گرفته، چرا که خانواده پایه‌گذار شخصیت، هویت، ارزش‌ها و معیارهای فکری فرزندان و محل یادگیری فرهنگ، هنجارها، ارزش‌ها و نقش‌های جنسیتی است. روش اجرای پژوهش حاضر، توصیفی از نوع هم‌بستگی است. جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دانشگاه آپادانا می‌باشند که به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند، که تعداد نمونه‌ها ۱۰۰ نفر می‌باشد. از این ۱۰۰ نفر، ۸۵ نفر زن و ۱۵ نفر مرد بوده‌اند. دو پرسش‌نامه ابزار مورد استفاده برای سنجش در این پژوهش بود؛ که شامل پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری بامریند و پرسش‌نامه فراشناخت ولز می‌باشد. یافته‌ها حاکی از آن است که بین سبک فرزندپروری اقتدار منطقی، با باورهای فراشناخت شرکت‌کنندگان، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. اما بین سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیر با باورهای فراشناخت شرکت‌کنندگان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از بررسی یافته‌های پژوهش، نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری با باورهای فراشناخت، رابطه وجود دارد. یعنی می‌توان عنوان نمود که سبک فرزندپروری والدین می‌تواند بر باورهای فراشناخت فرزندان تأثیرگذار باشد، چنانچه خانواده‌هایی از سبک‌های مقتدرانه برخوردار باشند، می‌توانند در تربیت فرزندان‌شان به گونه‌ای منطقی و عقلانی عمل کنند و هرگونه افراط و تفریط در رفتار کاهش می‌یابد و در نتیجه میزان مشکلات رفتاری فرزندان کاهش می‌یابد؛ اما چنانچه خانواده‌ها دارای سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه یا مستبدانه باشند، فرزندان از آنها حرف‌شنوی‌های لازم را نخواهند داشت. به‌طوری‌که روحیه استقلال‌طلبی در آنها ضعیف‌شده و احتمالاً عزت‌نفس آنها کاهش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های فرزندپروری، باورهای فراشناخت

مقدمه

فرزندپروری^۱ از دیرزمان از موضوعات مورد توجه انسان‌های بزرگ بوده، حتی در منابع اسلامی نیز به شیوه‌های تربیت فرزند اشاره شده است، که پدر و مادر وظیفه اصلی فرزندپروری را به عهده دارند. روان‌شناسان رشد، همواره علاقه‌مند بوده‌اند که چگونگی تأثیر روش‌های تربیتی پدر و مادر را بر رشد قابلیت‌های اجتماعی فرزندان، مطالعه و بررسی کنند که یکی از مهم‌ترین مباحث در این حوزه، فرزندپروری نامیده می‌شود (کوخی و رود مقدس، ۱۳۹۴). سبک‌های فرزندپروری^۲ می‌تواند پیش‌بینی‌کننده طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه^۳ و رضایت زناشویی^۴ باشد. شناخت متغیرهایی که بر سبک‌های فرزندپروری والدین تأثیر می‌گذارد، بسیار مهم است؛ چراکه خانواده کانون التیام‌بخش دردها و محل ارضای نیازهای مختلف جسمانی، عقلانی و عاطفی است و خمیرمایه هیجانی انسان در دوران کودکی و در سیستم خانواده، شکل می‌گیرد. از مشهورترین نظریه‌پردازانی که سعی در تبیین عملکردهای خانواده داشته است، می‌توان بوون^۵ را نام برد (قربانی و امانی، ۱۳۹۴). ضرورت انجام این تحقیق به‌خاطر اهمیت سبک فرزندپروری والدین و تأثیرات آن بر ویژگی‌های شخصیتی فرزندان و همچنین جایگاه خانواده به‌عنوان اولین کانون تربیتی فرزندان و تأثیرات باورهای فراشناخت در فرزندان و رابط بین این دو حیطه بسیار بالا می‌باشد. در پژوهش حاضر، با توجه به اهمیتی که علم روان‌شناسی به تربیت فرزند و شیوه‌های فرزندپروری دارد، بررسی رابطه این متغیر با باورهای فراشناخت حائز اهمیت است. فرزندان که والدین آنها سبک‌های فرزندپروری مخرب دارند، ممکن است مشکلات زیادی را تجربه کنند که به منظور کمک به آنها و والدین‌شان، آموزش سبک فرزندپروری صحیح، لازم و ضروری است. خانواده به‌عنوان اولین واحد اجتماعی و جامعه‌ای کوچک که هدف آن توسعه و رشد اجتماعی کودکان است، مورد تأکید قرار گرفته، چراکه خانواده پایه‌گذار شخصیت^۶، هویت^۷، ارزش‌ها^۸ و معیارهای فکری فرزندان و محل یادگیری فرهنگ، هنجارها، ارزش‌ها و نقش‌های جنسیتی است (شیخ‌اسلامی و برزو، ۱۳۹۴). بامریند^۹ "شیوه‌های فرزندپروری" والدین را مطرح کرد و اظهار داشت شیوه‌های فرزندپروری، بر جنبه‌های مختلف رشد اثر می‌گذارد. والدینی که فرزندان را محدود و تنبیه می‌کنند، عموماً سبک فرزندپروری مستبدانه دارند، برعکس والدین با شیوه‌ی سهل‌گیر و دارای پذیرش زیاد، بی‌توجه به کودک و تقاضاها و انتظارات خیلی کمی از کودک و یا نوجوان دارند. والدین مقتدر، پذیرش به همراه سهل‌گیری را با مقداری مهارت بر نوجوان، همراه با ارائه دلایل خاص خود دارند که باعث نظم‌دادن به فعالیت‌ها می‌شوند. محققان اشاره کرده‌اند که شیوه فرزندپروری "مقتدرانه" در مقایسه با شیوه‌های فرزندپروری "سهل‌گیر و مستبد" بهترین نوع شیوه‌ی فرزندپروری است، که انواع پیامدهای مثبت روان‌شناختی را فراهم می‌کند (باباپورخیرالدین و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین می‌توان عنوان نمود که سبک فرزندپروری والدین می‌تواند بر مشکلات تأثیر بگذارد و نوع سبک فرزندپروری، باعث کاهش یا افزایش مشکلات می‌شود (قربانی و نقدی، ۱۳۹۹). خانواده دارای سبک فرزندپروری منطقی، فرزندان خود را بهتر تربیت می‌نمایند و از سوی دیگر سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با افزایش مشکلات برون، نمود پیدا می‌کنند (بخت‌آور، ۱۳۹۹). از دیگر متغیرهای مورد بررسی در این مقاله، متغیر باورهای فراشناخت^{۱۰} است. به‌طور کلی می‌توان گفت فراشناخت به معنای آگاهی از شناخت و

1. parenting
2. parenting styles
3. early madaptive schemas
4. marital satisfaction
5. Buen
6. personality
7. identity
8. values
9. Bamerind
10. metacognitive beliefs

کنترل نظارت و تنظیم فعالانه شناخت می‌باشند. فراشناخت مفهومی، چندبعدی و شامل دانش‌ها، باورها، و فرایندها و راهبردهایی است که شناخت را کنترل، نظارت و ارزیابی می‌کند و از طریق فرایندهایی مانند کنترل، نظارت، برنامه‌ریزی و تصحیح بر پردازش‌های شناختی، اثر می‌گذارد و نقش مؤثرتری در کاهش آشفتگی روان‌شناختی و بهبود عملکرد تحصیلی دارد (علم‌الهدی و زینالی، ۱۴۰۰). در مورد مفهوم فراشناخت، می‌توان گفت که فرد در مورد افکارش فکر می‌کند و این افکار مانند دانش فراشناختی می‌توانند در مورد دانش فرد باشد یا مانند مهارت‌های فراشناختی می‌توانند در مورد آنچه فرد در حال انجام دادن است باشد، و یا مانند تجربه فراشناختی درباره فکر کردن در مورد شناخت یا عواطفی باشد، که در همان لحظه دارد. برای اینکه افکار و باورهای فراشناختی از انواع دیگر جدا شوند، باید منبع افکار فراشناختی را در نظر گرفت. افکار فراشناختی زاییده تظاهرات ذهنی درون شخص، نسبت به واقعیت می‌باشد و شامل آن باوری است که شخص درباره تظاهرات درونی، چگونه عمل کردن و چگونه احساس کردن خودش دارد. بنابراین گاهی فراشناخت به عنوان فکر کردن درباره فکر، شناخت درباره شناخت و یا دانش درباره پدیده‌ها شناختی تعریف می‌شود (آقابیکگی و خانجانی و شکی، ۱۴۰۰). به عقیده ولز^۱ شناخت درمانی با توجه به این نظر که افکار منفی در اختلال‌های هیجانی از فعالیت باورهای ناکارآمد منتج می‌شوند، بیشتر روی منشأ محتوای افکار تأکید دارد، ولی در مورد اینکه چگونه این افکار شکل می‌گیرد و یا چه سازوکاری این تفکرات ناکارآمد را برجسته می‌سازد، تلاشی صورت نگرفته است. لذا برای فهم فرآیندهای تفکر، لازم است که بر باورهای فرد درباره تفکر، راهبردهای فردی درباره کنترل توجه و همچنین نوع باورهای فراشناختی او تأکید نمود. در آموزش فراشناخت ولز، آموزش از طریق "گفت‌وگو" است که بر پایه پردازش اطلاعات ایجاد شده است (هاشمی گرجی و همکاران، ۱۴۰۰). باورهای فراشناخت ناکارآمد اثری آینده‌نگر بر علائم اضطراب که مکرراً توسط فردی که راهبردهای فراشناخت را گزارش می‌دهد، به مطالعات آینده‌نگر قبلی مطالب جدیدی را اضافه می‌کند؛ پس باورهای فراشناختی ناکارآمد، باید به عنوان اهداف مهم در درمان اضطراب در نظر گرفته شوند (نوردهل و همکاران، ۲۰۲۳). سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، بیشترین شیوع را دارد و پس از آن، سبک سهل‌گیر بیشتر غالب است. همچنین می‌توان گفت که سبک فرزندپروری یکی از چندین عامل مؤثر در شیوع افسردگی در سنین بزرگسالی است (Hameed & Zuha, 2023). هرچه سبک‌های فرزندپروری منفی‌تر باشد، علائم و سواس فکری-عملی در فرد بارزتر است و کمال‌گرایی نیز با سبک فرزندپروری، رابطه تنگاتنگی دارد (Poho et al., 2023). پژوهشگرانی که در مقالات پیشین به بررسی این قبیل مسائل پرداختند، به این نتیجه رسیدند که بین سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های اضطراب اجتماعی، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و همچنین حساسیت بین فردی، سبب می‌شود سبک‌های فرزندپروری بر نشانه‌های اضطراب اجتماعی تأثیرگذار باشد (رضایی و همکاران، ۱۴۰۱). بین سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های مقابله‌ای بر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه نیز، ارتباط مثبت و معنادار دارد (مرادی و همکاران، ۱۴۰۱). بین شیوه‌های فرزندپروری با مشکلات رفتاری فرزندان نیز رابطه معناداری وجود دارد، یعنی می‌توان عنوان نمود که سبک فرزندپروری والدین، می‌تواند بر مشکلات رفتاری فرزندان تأثیرگذار باشد (قربانی و نقدی، ۱۳۹۹). سبک والدین یک سازه روان‌شناختی است که بیانگر راهکارهای استاندارد است که والدین در تربیت فرزندان‌شان از آن استفاده می‌کنند. سبک‌های والدین، بیانگر نحوه پاسخ‌گویی والدین به فرزندان‌شان است. سبک‌های فرزندپروری، نشان‌دهنده الگوی گسترده‌تری از شیوه‌های فرزندپروری است (ذکایی فر و موسی زاده، ۱۳۹۹). رابطه معناداری بین سبک‌های فرزندپروری والدین و تیپ‌های شخصیتی فرزندان آنها وجود دارد. والدین دارای سبک فرزندپروری منطقی، بیشتر فرزندان برون‌گرا دارند و والدین دارای سبک تربیتی استبدادی، بیشتر فرزندان روان‌رنجوری دارند (بخت‌آور، ۱۳۹۹). همچنین نتایجی که

شمسی هوجقان و همکاران به دست آورده‌اند بر این امر دلالت دارد که، سبک فرزندپروری تأثیر بسزایی در شکل‌گیری رفتار اجتماعی فرزندان دارد و تأکید می‌کند بر اینکه سبک فرزندپروری مقتدرانه، می‌تواند از طریق بهبود رفتار اجتماعی، سلامت روانی-اجتماعی را در آینده تحت تأثیر قرار دهد (شمسی هوجقانی و همکاران، ۱۳۹۹). نتیجه پژوهش‌های ماقبل در رابطه با فرضیه تعیین رابطه جهت‌گیری دینی والدین و سبک فرزندپروری آنان با بهزیستی ذهنی فرزندان، نشان می‌دهد که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه والدین و مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی فرزندان، رابطه مثبت معنادار و بین سبک فرزندپروری مستبدانه و بهزیستی ذهنی فرزندان رابطه منفی وجود دارد. همچنین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، نتوانسته است هیچ کدام از مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی فرزندان را پیش‌بینی کند (خوش‌نویس و دژاکام، ۱۳۹۷). سبک‌های فرزندپروری می‌توانند در پیش‌بینی رضایت‌مندی زوجین مؤثر باشد (کاکابری و همکاران، ۱۳۹۶). با افزایش میزان استفاده از دو سبک مستبدانه و مقتدرانه، میزان نگرش مذهبی افزایش می‌یابد؛ اما بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و نگرش مذهبی، رابطه معناداری یافت نشد (رجب تبار درویشی و همکاران، ۱۳۹۵). سبک‌های فرزندپروری در تنوع طلبی جنسی، نقش تبیین‌کنندگی دارند (رضاییان بیلندی و همکاران، ۱۳۹۵). هر خانواده از سبک و شیوه خاصی در تربیت فرزندان خود استفاده می‌کنند. مجموعه نگرش‌ها، اعمال و اظهارات غیرکلامی و کلامی والدین که ماهیت تعاملات والد-کودک را در موقعیت‌های مختلف مشخص می‌کند، تحت عنوان سبک فرزندپروری شناخته می‌شود (قربانی و امانی، ۱۳۹۴). در مجموع، با توجه به اهمیت سبک‌های فرزندپروری و باورهای فراشناخت و خلأ پژوهشی در این زمینه و نیاز جامعه امروز به پژوهش کاربردی در این حوزه، فرضیه پژوهش حاضر بیان می‌کند که بین سبک‌های فرزندپروری و باورهای فراشناخت، رابطه معناداری وجود دارد. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و باورهای فراشناخت در دانشجویان دانشگاه آپادانا است.

روش پژوهش

روش اجرای پژوهش حاضر، توصیفی از نوع هم‌بستگی است. جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دانشگاه آپادانا می‌باشند که به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند، که تعداد نمونه‌ها ۱۰۰ نفر می‌باشد. از این ۱۰۰ نفر، ۸۵ نفر زن و ۱۵ نفر مرد بوده‌اند. پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری بامریند با ۳۰ سؤال که ۱۰ جمله از آن به شیوه‌ی سهل‌گیرانه و ۱۰ جمله به شیوه مقتدرانه و ۱۰ جمله به شیوه‌ی مستبد اختصاص دارد. در مقابل هر سؤال، ۵ ستون با عناوین کاملاً موافقم، موافقم، تقریباً مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم قرار دارد که به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره‌گذاری می‌شود. پرسش‌نامه فراشناخت ولز با ۳۰ سؤال که ۵ خرده‌مقیاس تضاد شناختی، باورهای مثبت، خودآگاهی شناختی، کنترل‌ناپذیری و خطر افکار و نیاز به کنترل افکار را بررسی می‌کند. در مقابل هر سؤال ۴ ستون با عناوین موافق نیستم، کمی موافقم، نسبتاً موافقم، کاملاً موافقم که به ترتیب از ۱ تا ۴ نمره‌گذاری می‌شود. نتایج نشان‌دهنده اعتبار نسبتاً خوب پرسش‌نامه و خرده‌قیاس‌های آن است.

یافته‌های پژوهش

داده‌های خام بعد از جمع‌آوری با نرم‌افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در سطح توصیفی به محاسبه شاخص‌هایی نظیر میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمرات پرداخته شد و در سطح استنباطی با استفاده از آزمون‌های تحلیل رگرسیون و ضریب هم‌بستگی پیرسون به بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

متغیر	گروه	تعداد	درصد
جنسیت	زن	۸۵	۸۵
	مرد	۱۵	۱۵
سن	۱۸ تا ۳۰ سال	۸۸	۸۸
	۳۰ تا ۵۰ سال	۱۲	۱۲
تحصیلات	کارشناسی	۹۵	۹۵
	ارشد	۵	۵

توضیح جدول ۱: جدول فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان را به تفکیک جنسیت، سن و وضعیت تحصیلات نشان می‌دهد.

جدول ۲. جدول آمار توصیفی سبک‌های فرزندپروری و باورهای فراشناخت شرکت‌کنندگان

متغیر	ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
سبک‌های فرزندپروری	اقتدار منطقی	۳۴/۲۷	۴/۱۷	۲۴	۴۳
	استبدادی	۲۶/۷۴	۵/۱۵	۱۶	۳۸
	سهل‌گیر	۲۸/۶۹	۵/۷۲	۱۲	۴۶
باورهای فراشناخت		۸۰/۱۰	۱۵/۶۶	۴۲	۱۱۴

توضیح جدول ۲: آمار توصیفی متغیرهای سبک‌های فرزندپروری و باورهای فراشناخت شرکت‌کنندگان، به تفکیک میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمرات محاسبه شده است.

جدول ۳. ماتریس هم‌بستگی پیرسون بین سبک‌های فرزندپروری و باورهای فراشناخت شرکت‌کنندگان

اقتدار منطقی	استبدادی	سهل‌گیر	باورهای فراشناخت
۱			
۰/۶۲۶**	۱		
۰/۵۴۵**	۰/۶۶۸**	۱	
۰/۶۰۳**	۰/۳۶۳**	۰/۳۹۴**	۱

* $P \leq 0.05$ ** $P \leq 0.01$

توضیح جدول ۳: آزمون هم‌بستگی پیرسون را بین سبک‌های فرزندپروری و باورهای فراشناخت را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بین سبک فرزندپروری اقتدار منطقی با باورهای فراشناخت شرکت‌کنندگان، رابطه منفی و معناداری وجود دارد، اما بین سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیر، با باورهای فراشناخت شرکت‌کنندگان، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول ۴. آزمون رگرسیون جهت پیش‌بینی باورهای فراشناخت براساس سبک‌های فرزندپروری

متغیر ملاک: باورهای فراشناخت						
متغیر پیش‌بین	R	R ²	F	P	β	T
اقتدار منطقی	۰/۶۱۱	۰/۳۷۳	۱۹/۰۶۳	۰/۰۰۱	-۰/۵۸۶	۵/۵۳۹
استبدادی					۰/۰۹۳	۰/۷۷۷
سهل‌گیر					۰/۱۳۶	۱/۲۲۵

توضیح جدول ۴: جهت پیش‌بینی باورهای فراشناخت براساس سبک‌های فرزندپروری، از آزمون رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان استفاده شد که نتایج حاصل از آن در جدول شماره ۴ آمده است. با توجه به جدول ۴ همان‌گونه که مشاهده می‌شود میزان R برابر $0/611$ و میزان R^2 برابر $0/373$ می‌باشد. به عبارتی سبک‌های فرزندپروری در کل نزدیک به ۳۷ درصد از واریانس نمرات باورهای فراشناخت را تبیین می‌کند. همچنین تنها بعد فرزندپروری اقتدار منطقی، توانست به صورت منفی و معناداری پیش‌بینی‌کننده باورهای فراشناخت باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری، با باورهای فراشناخت رابطه وجود دارد؛ یعنی می‌توان بیان کرد که سبک فرزندپروری والدین می‌تواند بر باورهای فراشناخت فرزندان اثرگذار باشد. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، خانواده اولین و اصلی‌ترین اجتماعی است که هر فرد از بدو تولد در آن قرار گرفته، باورهایش شکل می‌گیرد، اصول و چهارچوب‌های زندگی را می‌آموزد و نحوه‌ی تعامل با دیگران را فرامی‌گیرد؛ شیوه‌های فرزندپروری نیز به‌نوبه‌خود، نقشی غیرقابل چشم‌پوشی در کارکرد خانواده و کارکرد نقش مهمی در سلامت روانی فرزندان دارد. خانواده به‌عنوان مهم‌ترین محیطی که کودک را از کیفیت رفتاری و روابط انسانی آگاه می‌سازد و تجارب اولیه زندگی را شکل می‌دهد، سازنده زیربنای فکری فرزندان است. نتیجتاً باتوجه به اهمیت بی‌شائبه‌ی نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت و نحوه‌ی تفکر فرزندان، بایستی به عوامل اثرگذار بر کانون خانواده و نحوه‌ی تعامل اعضای آن با یکدیگر توجه فراوانی گردد. ازجمله این عوامل، سبک فرزندپروری والدین می‌باشد که می‌تواند به‌طور مستقیم بر عزت‌نفس، خودباوری، تعاملات اجتماعی و به‌صورت کلی باورهای فراشناخت فرزندان مؤثر واقع شود و همچنین در اکثر تحقیقات، به نقش سبک‌های فرزندپروری والدین در کاهش یا افزایش مشکلات رفتاری فرزندان تأکید شده است. بنابراین می‌توان چنین تبیین کرد که چنانچه سبک فرزندپروری غالب بر خانواده، مقتدرانه باشد، در برخورد با فرزندان و تربیت آنها، به‌گونه‌ای منطقی و عقلانی عمل می‌کنند و از هرگونه افراط و تفریط در رفتار می‌پرهیزند، که درنتیجه آن، میزان مشکلات رفتاری فرزندان کاهش یافته و باور به خود در آنها تقویت می‌شود و عملکردی سازنده‌تر و سالم‌تر در اجتماع خواهند داشت؛ اما چنانچه سبک فرزندپروری خانواده مستبدانه باشد، فرزندان ناتوان در تصمیم‌گیری، فاقد اعتمادبه‌نفس و متکی به دیگران تربیت خواهند شد، چراکه در چنین خانواده‌هایی پدر و مادر از وابستگی افراط‌گونه‌ی فرزندان‌شان خرسند هستند و چه‌بسا که از استقلال و توانمندشدن آنها بیم دارند. در نهایت، افرادی که در خانواده‌هایی با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پرورش می‌یابند، عموماً ناکامی را تجربه نمی‌کنند و هر خواسته‌ای که داشته باشند، در اسرع وقت مهیا می‌شود. به بیان دیگر در چنین خانواده‌هایی، فرزندان و خواسته‌هایشان کانون عمل خانواده قرار می‌گیرند. به همین سبب چنین اشخاصی زمانی که وارد اجتماع شوند، تاب ناکامی و نه شنیدن را نخواهند داشت و قادر به تشکیل روابط اجتماعی عمیق و صمیمانه نخواهند بود. از دیگر منظر باورهای فراشناخت، که مفهومی چندوجهی است و با سلامت عمومی فرد نیز در ارتباط است، در فرزندان هریک از انواع خانواده‌های ذکرشده به‌شیوه‌ی متفاوتی نمود می‌یابد. باورهای فراشناخت به‌خودی‌خود در وضعیت روانی فرد اثر گذاشته و در صورتی که شیوه‌ی ناسازگارانه به خود گیرند، تفکرات و باورهای منفی نسبت به خود و دیگران را افزایش می‌دهد و این امر می‌تواند زمینه‌ساز دوری شخص از اجتماع و دایره اطرافیان خود باشد، که در پس آن انزوای، افسردگی و سایر مشکلات روان‌شناختی پدیدار می‌شود. همچنین با توجه به اثر این باورها بر راهبردهای تنظیم هیجان، در صورتی که شمایی منفی و مخرب از این باورها بروز کند، مشکلاتی مانند اضطراب اجتماعی و عدم توانایی در برقراری روابط صمیمانه و سازنده در اجتماع بروز می‌کند. در واقع باورهای فراشناخت، می‌تواند به معنای

فکر کردن درباره خود باشد؛ این تفکر می‌تواند درباره آنچه شخص می‌داند باشد (دانش فراشناخت)، می‌تواند درباره آنچه شخص در حال انجام دادن آن است باشد (مهارت‌های فراشناختی)، یا می‌تواند درباره حالت شناختی و احساسی شخصی باشد (تجربه فراشناخت). باید توجه داشت که خانواده‌ای با سبک فرزندپروری مقتدرانه به پرورش باورهای فراشناخت فرزندان خود اهتمام می‌ورزند، تفکر غالب بر این نوع خانواده‌ها، این است که فرزندان در عین دل‌بستگی به کانون خانواده و برخورداری از حمایت والدین، بایستی در زمینه تفکر مستقلانه و تصمیم‌گیری صحیح و سازنده و مدیریت مشکلات، به استقلال و باور به توانمندی‌های خود دست یابند. در واقع چنین خانواده‌هایی، بین دل‌بستگی مفید و سالم و وابستگی آسیب‌زا و ناسالم، تمایز قائل می‌شوند و همین امر سبب می‌شود که فرزندان پرورش‌یافته در چنین خانواده‌هایی، به تفکری بالنده و سازنده دست یابند و در مواقع لازم، رفتاری قاطعانه و جرأت‌مندانه را از خود نشان دهند. اما والدینی با سبک‌های فرزندپروری استبدادی یا سهل‌گیر، باورهای فراشناخت فرزندان‌شان را رو به افول برده و تأثیرات سوء این معضل، در تمام ابعاد زندگی شخص، به‌مرور زمان نمایان می‌شود. خانواده مستبد فرصت خودنمایی و ساختن شخصیتی مستقل را به فرزند خود نمی‌دهد، و همواره به سرکوب تفکر بالنده کودک خود می‌پردازد؛ خانواده سهل‌گیر نیز، بیش‌ازاندازه و به شکلی افراطی، میدانی جهت جولان فرزند فراهم می‌کند و به جای آنکه فرزند خود را براساس حقایق جامعه خود پرورش دهد، با سرویس‌دهی نامتناسب و افراطی به او، باعث می‌شود فرد همواره خود را در هر شرایطی شایسته و در موضع قدرت ببیند و چه‌بسا رگه‌هایی از طرح‌واره استحقاق را نیز در کودک خود پرورش دهد. نتیجتاً با توجه به نتایج آزمون هم‌بستگی پیرسون که در جدول شماره سه به‌طور دقیق آورده شده است، می‌توان گفت که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و باورهای فراشناخت، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. اما بین سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیر با باورهای فراشناخت، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به‌صورت کلی مناسب‌ترین شیوه فرزندپروری، سبک مقتدرانه است، چراکه والدین مقتدر درخواست‌های معقولی از فرزندان‌شان دارند و در عین حال، صمیمیت و محبت زیادی نشان می‌دهند و به پرورش باورهای فراشناخت فرزندان‌شان کمک می‌کنند. درنهایت، با توجه به اینکه متغیر باورهای فراشناخت، متغیر ملاک است و سبک‌های فرزندپروری نزدیک به ۳۷ درصد از واریانس نمرات باورهای فراشناخت را تبیین می‌کند، می‌توان گفت که سبک‌های فرزندپروری در ایجاد باورهای فراشناخت، مؤثر است و می‌تواند پیش‌بینی‌کننده باورهای فراشناخت در فرزندان باشد. به‌کارگیری آموزش گروهی فرزندپروری برای والدین، ارائه رایگان برنامه‌های آموزشی، حمایت خانواده‌ها و شناخت توانایی و نقاط قوت و ضعف فرزندان، از روش‌های مفید و کاربردی برای تربیت هرچه بهتر فرزندان می‌باشد، حتی اگر در طولانی‌مدت تأثیر خود را نشان دهند. شیوه‌های فرزندپروری، در بروز مشکلات فرزندان همچون باورهای فراشناخت آنان مؤثر است، لذا ارائه آموزش‌های لازم و کافی به والدین جهت به‌کارگیری شیوه‌های صحیح تربیتی پیشنهاد می‌شود.

منابع

- آقایگی، بهاره، و خانجانی و شکی، سحر. (۱۴۰۰). اثربخشی مداخله مبتنی بر فراشناخت بر صمیمیت زناشویی زنان پس از زایمان. *تحقیقات نظام سلامت*، ۱۷(۱)، ۲۲-۲۸.
- باباپورخیرالدین، جلیل، اسماعیلی انامق، بهمن، غلامزاده، مجتبی، و محمدپور، وهاب. (۱۳۹۱). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های هویتی نوجوانان. *مجله روان‌شناسی*، ۱۶(۲ (پیاپی ۶۲))، ۱۶۱-۱۷۵.
- بخت‌آور محمد. (۱۳۹۹). بررسی ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری و مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی والدین با تیپ‌های شخصیتی فرزندان آنها. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۱۹(۸۶)، ۱۵۹-۱۶۹.

- خوشنویس، الهه، و دژاکام، فاطمه. (۱۳۹۷). رابطه‌ی جهت‌گیری مذهبی والدین و سبک فرزندپروری آنان با بهزیستی ذهنی فرزندان. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۲۲(۲) (پیاپی ۷۵)، ۲۴۱-۲۶۰.
- ذکایی‌فر، آرزو، و موسی‌زاده، توکل. (۱۳۹۹). نقش سبک‌های فرزندپروری والدین در پیش‌بینی رشد اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی ۵ و ۶ ساله. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۰(۳۷)، ۸۷-۱۰۰.
- رجب تبار درویشی، فاطمه، یحیی‌زاده، سلیمان، و حسینی، سیدحمزه. (۱۳۹۵). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با نگرش مذهبی و سلامت روانی دانش‌آموزان دختر. *دین و سلامت*، ۴(۱)، ۵۷-۶۴.
- رضایی، محمدعلی، طاهری‌فر، زهرا، فراهانی، حجت‌الله. (۱۴۰۱). رابطه میان سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های اضطراب اجتماعی: نقش واسطه‌ای حساسیت بین‌فردی و نقش تعدیل‌کننده فرونشانی. *مجله پژوهش‌های کاربردی روان‌شناسی*، ۱۳-۳.
- رضاییان بیلندی، حسین، منیرپور، نادر، و حسن‌آبادی، حمیدرضا. (۱۳۹۵). تبیین تنوع‌طلبی جنسی براساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه سبک‌های فرزندپروری و خلق‌وخو. *اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی (اندیشه و رفتار)*، ۱۰(۴۰)، ۷-۱۶.
- شمسی هوجقان، مهدی، بحرینی، مسعود، روانی‌پور، مریم، و باقرزاده، راضیه. (۱۳۹۹). بررسی ارتباط سبک‌های فرزندپروری مادران با مهارت‌های اجتماعی کودکان دبستانی. *روان‌پرستاری*، ۸(۵)، ۹۷-۱۰۷.
- شیخ‌الاسلامی، راضیه و برزو، شیوا. (۱۳۹۴). فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری در نوجوانان: نقش واسطه‌گری سبک‌های پرورش هویت. *فصل‌نامه علمی روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۶(۱۹)، ۹۷-۱۲۰.
- عباس قربانی، مریم، و نقدی، فریما. (۱۳۹۹). رابطه بین سبک فرزندپروری والدین کارکرد خانواده با مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی. *مدیریت و چشم‌انداز آموزش*، ۱۲(پیاپی ۳)، ۷۱-۸۷.
- علم‌الهدی، مهسا، و زینالی، علی. (۱۴۰۰). نقش فراشناخت، فراحافظه و فراهیجان در پیش‌بینی یادگیری خودراهبر دانش‌آموزان. *آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)*، ۱۴، ۹۳-۱۰۸.
- قربانی، آزاد، و امانی، احمد. (۱۳۹۴). تبیین مدل نظری برای سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های دل‌بستگی و خود‌متمایزسازی زوجین. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی (فرهنگ مشاوره)*، ۶(۲۱)، ۶۷-۸۶.
- کاکابرای، کیوان، صالح، جبار، افروز، غلامعلی، و غلامعلی لواسانی، مسعود. (۱۳۹۷). پیش‌بینی رضامندی زوجیت براساس سبک فرزندپروری در والدین دارای کودکان طیف درخودمانده و کودک عادی. *مطالعات ناتوانی*، ۸(-).
- کوخایی، آزاد، و رودمقدس، رمضانعلی. (۱۳۹۵). بررسی سبک‌های فرزندپروری در منابع اسلامی. *بصیرت و تربیت اسلامی*، ۱۳(۳۶)، ۱۲۹-۱۵۰.
- مرادی، افسانه، غیائی، مهناز، کریمی، سمیره، یدالهی، سارا، ایزدی، شیرین، صدری، مریم، محمدی، فرزانه، جعفرزاده جهرمی، زهره، و پسندیده، زهرا. (۱۴۰۱). تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با نقش میانجی راهبردهای مقابله‌ای بیش‌جبرانی و اجتناب. *فصل‌نامه ایده‌های نوین روان‌شناسی*، ۷-۱۷.
- هاشمی گرجی، ام البنین، اسدزاده، حسن، شریفی، طیه، و غضنفری، احمد. (۱۴۰۰). مقایسه‌ی اثربخشی آموزش گروهی فراشناخت ولز و مدیریت شناختی و رفتاری استرس بر افعال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۷(۲)، ۲۲۹-۲۴۸.

- Hameed, Z. A. , & Zuha, A. (2023). Perceived parenting styles and adult depression severity in the maldives. *International Journal of Social Research & Innovation*, 7(1), 71-94.
- Hu, P. , Liang, P. , Liu, X. , Ouyang, Y. , & Wang, J. (2023). Parenting styles and obsessive-compulsive symptoms in college students: The mediating role of perfectionism. *Frontiers in Psychiatry*, 14.
- Nordahl, H. , Anyan, F. , & Hjemdal, O. (2023). Prospective relations between dysfunctional metacognitive beliefs, metacognitive strategies, and anxiety: Results from a four-wave longitudinal mediation model. *Behavior Therapy*.

Weissgerber, S. C. , & Rummer, R. (2023). More accurate than assumed: Learners' metacognitive beliefs about the effectiveness of retrieval practice. *Learning and Instruction*, 83, 101679.